

چکیده

دانش ضمنی، دانش شخصی و مهارت غیر قابل بیان می باشد. این دانش به عنوان بدنه اصلی دانش سازمانی، نقش کلیدی در موفقیت سازمان ها داشته و همچنین محرکی مهم در فرایند خلاقیت و نوآوری است. انتظار بر این است که مدیران در سازمان ها هنگام اخذ تصمیمات مهم، تحت تاثیر دانش ضمنی خود قرار داشته و در صورتی که تحت نظارت قرار گیرند، رفتارهای فرصت طلبانه خود را کاهش دهند، لذا هدف این پژوهش، بررسی تاثیر دانش ضمنی بر رفتار مدیریت سود در سطوح مختلف نظارت و عملکرد می باشد. در این راستا ده فرضیه تدوین شده است. جهت آزمون فرضیه های اول تا ششم، داده هایی بر اساس نمونه ای متشکل از ۵۵۰ سال-شرکت طی سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ گردآوری شده اند. جهت تحلیل داده های پژوهش از مدل رگرسیونی چند متغیره استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که دانش ضمنی مدیرعامل بر روی مدیریت سود شرکت بر اساس ارقام تعهدی تأثیر مثبت و معناداری داشته ولی بر مدیریت سود واقعی دارای تأثیر معنی داری نمی باشد. اما تخصص مالی و استقلال کمیته حسابرسی دارای تأثیر معنی داری بر رابطه دانش ضمنی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و واقعی نمی باشد. بر اساس نتایج بدست آمده، بخشی از مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی از دانش ضمنی مدیرعامل نشئت می گیرد. اما به نظر می رسد با توجه به ضعف محیط کنترلی در شرکتهای ایرانی و سابقه محدود کمیته حسابرسی، نظارت دقیق بر رفتار مدیران صورت نگرفته و این امر موجب تضییع حقوق سایر ذینفعان می گردد. همچنین جهت آزمون فرضیه های هفتم تا دهم، از طرح آزمایش (با استفاده از محیط کنترل شده) استفاده شده است. در طرح آزمایش مذکور نظارت از طریق حسابرسی داخلی اعمال می شود. بدین منظور سناریویی برای آزمودنی ها طراحی گردیده است. نتایج نشان داد که در صورت وجود نظارت، برای افراد با دانش ضمنی بالاتر، احتمال انجام مدیریت سود کاهش می یابد، ولی برای افراد با دانش ضمنی کمتر، تأثیر معنی داری مشاهده نشد.

واژه های کلیدی: دانش ضمنی، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، مدیریت سود واقعی، کمیته حسابرسی، حسابرس داخلی